

تحقق تدلیس در انعقاد قراردادهای الکترونیکی

طاهر حبیب‌زاده^۱

چکیده

در مسیر انعقاد قراردادهای الکترونیکی، بسیاری از مسائل حقوقی متصور در فضای واقعی قابل طرح هستند. به گونه‌ای که، احکام یکسانی بر هر دو حالت فیزیکی و الکترونیکی مترتب می‌شود و فقط گاهی شیوه‌ی ظهور این مسائل متفاوت است؛ با وجود این، گاه مصادیق جدیدی مطرح می‌شوند که تحقق آنها در فضای واقعی متصور نبوده و فقط با توجه به ماهیت فضای مجازی، مختص قراردادهای الکترونیکی هستند. یکی از مواردی که تنها شیوه‌ی ظهور آن متمایز است، بحث تدلیس است که احکام سنتی آن بر مصادیق الکترونیکی نیز بار می‌شود.

واژگان کلیدی: ارتباطات الکترونیکی، قراردادهای الکترونیکی، تدلیس.

۱. پژوهشگر حقوق تجارت الکترونیک، مقطع دکتری دانشگاه منچستر انگلستان.

۱. درآمد

در عصر حاضر، قراردادهای الکترونیکی بخش مهمی از تجارت به سبک مدرن محسوب می‌شوند که با توجه به طرفین آنها در قالب‌های متفاوتی منعقد می‌شوند. از جمله مهم‌ترین اشکال قراردادهای الکترونیکی می‌توان به معامله‌ی تاجر با تاجر^۱ و معامله‌ی تاجر با مصرف‌کننده^۲ اشاره کرد. از زمان پیدایش این نوع از قراردادها که با ورود ابزار نوین ارتباطی یعنی اینترنت در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به جامعه‌ی تجاری ملی و بین‌المللی مصادف است، تردیدهای حقوقی جدیدی مطرح و برای رفع آنها مباحث حقوقی گسترده‌ای صورت گرفته است. بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان و نیز سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای فعال در حوزه‌ی مسائل حقوقی، برای پاسخگویی به این تردیدها تلاش‌های گسترده‌ای صورت داده‌اند. به رغم آن که، برخی از این تردیدها با تکیه بر مبانی حقوقی سنتی رفع شده و ثبات و آرامش حقوقی به جامعه‌ی تجاری ملی و جهانی برگردانده شده است، در برخی موارد اصول و قواعد حقوقی سنتی با به رسمیت شناختن تردیدهای جدید، از پاسخگویی ناکام مانده‌اند، این امر به ایستایی تحول بزرگی چون تجارت الکترونیکی منجر شده است.

یکی از موضوعاتی که در سیستم‌های مختلف حقوقی، قواعد سنتی متفاوتی نسبت به آن اعمال می‌شود، تدلیس است؛ به رغم آن که، با پیدایش قراردادهای الکترونیکی، موضوع تدلیس با تردیدهای حقوقی جدی مواجه نشده است، اما آن چه شایسته توجه است، شیوه‌ی ظهور آن در فضای مجازی است؛ چه آن که، این شیوه با آنچه در فضای فیزیکی بروز می‌یابد متفاوت است. افزون بر این، گسترش مبادلات و معاملات الکترونیکی بر پایه‌ی اوصاف کالا و تبلیغات حرفه‌ای در فضای مجازی، بررسی نحوه‌ی تحقق تدلیس در این معاملات و تبیین احکام آن را ضروری ساخته است. در این راستا ابتدا احکام تدلیس در فضای سنتی از دیدگاه حقوق ایران، انگلیس و آمریکا بررسی شده و سپس با توجه به امکان ظهور آن در مسیر انعقاد قراردادهای الکترونیکی، به نحوه‌ی تحقق و تحلیل آن در فضای مجازی اشاره می‌شود.

1. B2B

از این معاملات، به معامله‌ی بنگاه با بنگاه نیز یاد می‌شود.

2. B2C

از این معاملات، به معامله‌ی بنگاه با مصرف‌کننده نیز یاد می‌شود.

۲. بررسی تطبیقی تدلیس^۱ و آثار آن در انعقاد قراردادهای سنتی ۲-۱. حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران تدلیس عبارت است از پوشاندن عیب یا وانمود کردن وصف کمال در موضوع مورد معامله که در واقع وجود ندارد و در نتیجه‌ی آن طرف مقابل فریفته می‌شود.^۲ هرگاه تدلیس موجب تحقق اشتباه اساسی شود، بطلان عقد را در پی دارد و نه وجود خیار فسخ را؛ خیار تدلیس ناظر به اشتباه فرعی و بی‌تأثیر است. تدلیس همواره و الزاماً در قالب فریب و نیرنگ تحقق نمی‌یابد، اظهار خلاف واقع و نیز اظهارات نابجا حق فسخ ایجاد می‌کند. با این وجود، باید تبلیغات متعارف در تجارت را از لوازم آن دانست، نه این‌که، آن را تدلیس تلقی نمود.

در نظام حقوقی ایران می‌توان شرایط تحقق تدلیس را به شرح زیر برشمرد: وصفی موهوم باید به کالا نسبت داده شود و خریدار را بفریبد به طوری که نتوان از آن چشم‌پوشی کرد؛ تدلیس باید عمدی باشد؛ اما سکوت فروشنده در قبال عیب پنهانی مبیع می‌تواند تدلیس به حساب آید؛ تدلیس باید پیش از انعقاد قرارداد صورت گیرد تا مخاطب را به معامله ترغیب کند، به گونه‌ای که وی در اثر تدلیس فریفته شده و معامله را منعقد کند؛ لذا، چنان‌چه مخاطب در هر حال، با وجود تدلیس و یا بدون تحقق آن معامله را منعقد می‌کند، قرارداد الزام‌آور است؛ تدلیس از سوی اشخاص ثالث بی‌تأثیر است؛ در بیع کلی فی‌الذمه که در آن کالا به اوصاف فروخته می‌شود، تدلیس راه ندارد؛ زیرا، کالا در خارج معین نیست، مگر آن‌که در اوصاف کالا تدلیس شده و با وجود کلی بودن بیع، کالا را دارای وصفی معرفی کند که در آن نیست. (کاتوزیان، ۱۳۸۱، صص ۴۳۵-۴۲۷)

۲-۲. حقوق انگلیس

در حقوق کامن‌لا تدلیس دارای ابعاد وسیعی است. در حقوق انگلیس، به طور کلی «اظهار» به معنی بیان موضوعی است که از سوی یک طرف قرارداد به طرف دیگر انجام می‌گیرد؛ این امر بخشی از شروط قرارداد به حساب نمی‌آید و یکی از دلایلی است که طرف مقابل را به انعقاد قرارداد ترغیب می‌کند. اگر این اظهار غیرواقع باشد، تدلیس (اظهار غلط) نامیده می‌شود. مقصود واقعی تدلیس‌کننده و

1. Misrepresentation.

۲. مستفاده از ماده‌ی ۴۳۸ قانون مدنی.

صداقت، غفلت و یا عمد وی در بیان اظهاراتش، در تحقق تدلیس تأثیری نداشته و در هر حال تدلیس محقق خواهد شد؛ هر یک از این موضوعات صرفاً در نوع تدلیس مؤثر خواهد بود. (Furmston, 2006, p.332) در این نظام حقوقی تدلیس در سه قسم مطرح شده است:

الف) هرگاه تدلیس‌کننده نسبت به نادرستی اظهاراتش آگاه باشد، تدلیس متقابلانه^۱ است؛ در این صورت، امکان مطالبه‌ی خسارت، فسخ قرارداد یا توسل به هر دو این ضمانت اجراها برای فریب‌خورده فراهم است؛ هم‌چنان‌که، وی می‌تواند اقامه‌ی دعوای کیفری نماید.

ب) چنان‌چه تدلیس‌کننده، اظهارات خود را صحیح می‌پنداشته، اما در حقیقت نادرست بوده، تدلیس صادقانه یا غیرعمد^۲ خواهد بود؛ در این فرض، امکان فسخ قرارداد یا اخذ خسارات مطابق بخش (۲) قانون تدلیس^۳ مصوب ۱۹۷۶، فراهم است.^۴

ج) هرگاه تدلیس‌کننده نسبت به صحت و یا سقم اظهاراتش آگاهی نداشته و در نتیجه‌ی مسامحه در بررسی این امر اظهاراتی خلاف واقع بیان کند، تدلیس مسامحه‌کارانه یا از روی بی‌دقتی^۵ محقق خواهد شد؛ در این فرض، فسخ قرارداد یا اخذ خسارت مطابق بخش (۲) قانون مذکور،^۶ امکان‌پذیر است.

صرف نظر از آنچه در خصوص اقسام تدلیس گفته شد، در تمامی فروش مذکور، تدلیس باید موضوعی باشد نه حکمی؛^۷ همچنین پیش از انعقاد قرارداد یا

1. Fraudulent Misrepresentation.

2. Innocent Misrepresentation.

3. The Misrepresentation Act 1967, available at <<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1967/7>>

۴. تا پیش از قانون تدلیس ۱۹۶۷ در این نوع تدلیس امکان اخذ خسارت نبود؛ تنها این امکان وجود داشت که شخص فریب‌خورده شخصاً قرارداد را فسخ کند یا از طریق دادگاه حکمی دال بر فسخ قرارداد تحصیل کند؛ بدون این‌که بتواند خسارتی دریافت کند.

5. Negligent Misrepresentation.

۶. خسارت می‌تواند به استناد پرونده Hedley Byrne and Co v. Heller & Partners (1964) AC 465 نیز اعطا شود: اگر فردی از روی مسامحه اظهاراتی به دیگری بنماید و وی با تکیه بر این اظهارات متحمل ضرری شود، فرد اخیر می‌تواند به دلیل مسامحه‌ی طرف مقابل، علیه وی اقامه‌ی دعوای مسؤولیت مدنی کند، مشروط بر این‌که میان آن‌ها رابطه‌ی خاصی مانند پزشک و بیمار، وکیل و موکل برقرار باشد.

۷. از آنجایی که مطابق یک اصل کلی، جهل به قانون مسموع نیست، (Ignorance of law is not a good excuse)، امکان تحقق تدلیس در فرضی که اظهارات خلاف واقع نسبت به مقررات قانونی باشد، وجود ندارد.

هم‌زمان با آن تحقق یابد؛ طرف مقابل در اثر تدلیس به معامله ترغیب شود و آلا در صورت آگاهی از تدلیس و یا بی‌تأثیر بودن تدلیس نسبت به تصمیم وی، قرارداد صحیح خواهد بود؛ تدلیس از سوی طرف قرارداد صورت گیرد و نه شخص ثالث و در نهایت این‌که فرد در نتیجه‌ی بروز تدلیس، متحمل زیان شود.

در نظام حقوقی انگلستان، بلوف‌های تجاری^۱ که از جمله‌ی شگردهای تجارت محسوب می‌شوند، تدلیس تلقی نمی‌شود، مگر این‌که مطلب خلاف واقعی اظهار شود.^۲ هم‌چنین سکوت نیز نمی‌تواند موجب تدلیس شود؛^۳ مگر در هر یک از فرض‌های زیر:

الف) پس از بیان اظهارات فرد، در نتیجه‌ی تغییر اوضاع و احوال، این اظهارات نادرست شود؛ بدون آن‌که وی، این امر را به مخاطب اطلاع دهد؛^۴

ب) تنها مطالب مبتنی بر واقعیت بیان شود، اما موضوعاتی که بر تصمیم مخاطب تأثیری منفی دارد، کتمان شود؛

ج) در قراردادهایی چون عقد بیمه که مبتنی بر حسن‌نیت^۵ بوده و باید حداکثر اطلاعات داده شود، تمام شرایط ذکر نشود.

۲-۳. حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا نیز تدلیس دارای مبانی و شرایطی مشابه حقوق انگلستان است؛ در این نظام حقوقی تدلیس عبارت است از ادعا یا اظهار نادرست حقایق مهم و اساسی کنونی یا گذشته،^۶ در حالی‌که اظهارکننده به نادرست بودن آنها آگاه بوده و قصد فریب مخاطب را دارد.^۷ شرایط کلی تحقق تدلیس نیز همان است که در خصوص حقوق انگلستان گفته شد. فردی که در اثر تدلیس متقلبانه، قراردادی

مانند زمانی که فردی به دیگری می‌گوید این مغازه طبق قانون از پرداخت مالیات معاف است، در حالی که چنین نیست، بلکه باید در موضوع قرارداد چنین اظهاراتی صورت گیرد تا با وجود سایر شرایط تدلیس محقق شود.

1. Trade Puffs.

۲. مانند آن‌که، فروشنده در تبلیغات خود، پودر لباس‌شویی را بهترین پودر لباس‌شویی جهان معرفی کند.

3. Fletcher v. Krell [1873] 28 L.T. 105.

4. With v. O'Flanagan (1936) Ch 575.

5. Outmost Good Faith~ uberrimate fidei.

6. Material Present or Past Facts.

7. West's Encyclopedia of American Law, available at <<http://www.enotes.com/wests-law-encyclopedia/misrepresentation>>

منعقد نموده، می‌تواند به دلیل فریب علیه تدلیس‌کننده، دعوای شبه‌جرم اقامه کند، قرارداد را لغو و درخواست استرداد (اعاده‌ی به وضع سابق) نماید. برای اقامه‌ی دعوای تدلیس متقلبانه، احراز پنج عنصر ضروری است؛^۱ مگر آن‌که، صرفاً فرد بخواهد اقدام به فسخ قرارداد نماید؛ در این صورت ضرورتی به احراز رکن پنجم (ورود ضرر) نمی‌باشد. این عناصر عبارتند از:

الف) وجود اظهار: قاعده‌ی کلی در حقوق آمریکا این است که نمی‌توان در معاملات، افشای اطلاعات را به عنوان یک وظیفه بر عهده‌ی طرف مقابل قرار داد،^۲ بدین معنی که سکوت موجب تدلیس نیست. با این وجود باید توجه داشت که میان عدم افشای اطلاعات^۳ و پنهان‌کاری^۴ تفاوت است، اگر تدلیس‌کننده با انجام اعمالی مانع پی بردن طرف مقابل به حقیقت شود، این اقدام قابل تعقیب است.^۵ در هر حال، بر این قاعده استثنائات زیادی مترتب است؛ هرگاه قانون یا مقررات افشای اطلاعات را الزامی بدانند، باید آنها را فاش کرد. افشای بخشی از اطلاعات نیز می‌تواند تدلیس تلقی شود.^۶ اگر فردی پس از بیان اظهاراتی به نادرستی آنها پی ببرد یا در اثر اتفاقات بعدی اطلاعات وی نادرست شود، باید به طرف مقابل اطلاع دهد، این تکلیف در فرضی است که از اعتماد و تکیه‌ی طرف مقابل بر این اطلاعات آگاه باشد.^۷ ماهیت برخی از قراردادها مانند قرارداد بیمه، به‌گونه‌ای است که باید حداکثر اطلاعات لازم داده شود. گاهی نیز رابطه‌ی خاص طرفین، افشای اطلاعات اساسی را ضروری می‌نماید؛ مانند رابطه‌ی امانی میان طرفین، یا رابطه‌ی فرد با متخصص خود مانند رابطه‌ی مریض

1. >...representation, falsity, scienter, deception, injury...>: Reno v. Bull, 226 N.Y. 546, 124 N.E. 144 (1919).

2. Fisher Development Co. v. Boise Cascade Corp., 37 F. 3d 104 (3d Cir. 1994).

3. Non-disclosure.

4. Concealment.

5. Kuelling v. Roderick Lean Mfg. Co., 183 N.Y. 78, 75 N.E. 1098, 2LRA NS 303 (1905).

6. Cambridge Plating Co. v. NAPCO, 876 F. Supp. 326 (D.Mass. 1995).

7. Restatement First, Sec. 472. Y لازم به ذکر است که Restatements of the Laws شامل مجموعه مقالات و شرح‌هایی هستند که اصول کلی حقوق کامن‌لا را از پرونده‌ها گردآوری کرده و در اختیار قضات و وکلای قرار می‌دهند. تا به حال سه مجموعه از این مجموعه‌ی حقوقی منتشر شده است. انتشار آن از سوی مؤسسه حقوقی آمریکا (American Legal Institute) صورت می‌گیرد که یک سازمان حقوقی متشکل از صاحب‌نظران حقوقی و وکلای برجسته است که در سال ۱۹۲۳ میلادی تأسیس شده است.

با دکتر، موکل و وکیل، عدم افشای اطلاعات از سوی هر یک از این افراد می‌تواند تدلیس تلقی شود.^۱

ب) نادرستی اظهارات: اظهار نادرست می‌تواند کتبی، شفاهی یا تلویحی^۲ باشد. اظهارات خلاف واقع فعالان عرصه‌ی تجارت، در خصوص ویژگی یا کیفیت محصولات، بدون توجه به درجه‌ی تقصیر، مسؤولیت آن‌ها را در پی دارد؛ مگر آن‌که، به رغم اعتقاد به نادرست بودن، اظهارات مذکور صحیح باشد. بلوف‌های تجاری که شگرد تجارت محسوب می‌شوند، را نمی‌توان موجب تحقق تدلیس دانست.

ج) آگاهانه بودن تدلیس: فریب‌خورده باید اثبات کند که مخاطب وی با آگاهی و به قصد فریب وی اظهارات نادرست را انجام داده است. با این حال در تدلیس غیر عمد نیز به مانند حقوق انگلیس، امکان فسخ قرارداد و اعاده به وضع سابق باقی است؛^۳ هر چند برخی، همانند تدلیس عمدی، اقامه‌ی دعوای شبه‌جرم را نیز مجاز دانسته‌اند. به عبارت دیگر ابراز اظهاراتی بدون توجه به درستی آنها نیز می‌تواند سبب ایجاد مسؤولیت برای اظهارکننده شود. باید توجه داشت که نظام حقوقی آمریکا میان تدلیس عمدی^۴ و تدلیس غیر عمدی^۵ تفکیک قائل شده است؛ در تدلیس غیر عمد، در صورتی به فریب‌خورده حق فسخ می‌دهد که تدلیس در موضوع مهم و اساسی رخ داده باشد؛^۶ اما در فرض بروز تدلیس عمدی، در هر صورت حق فسخ به وجود می‌آید، هر چند تدلیس در موضوعی غیر مهم و فرعی رخ دهد. به دیگر سخن، معیار بروز تدلیس غیر عمدی، عینی است، یعنی اساسی بودن؛ اما، در تدلیس عمدی، معیار ذهنی است، یعنی عمدی بودن. آنچه سبب مهم بودن موضوع تدلیس می‌شود، آن است که اظهار خلاف واقع بتواند رفتار یک فرد متعارف را تحت تأثیر قرار دهد، یا این‌که تدلیس‌کننده بداند که مخاطب وی اظهارات وی را مهم تلقی خواهد کرد، هر

1. Restatement Second, Sec. 161(d).

۲. مانند هنگامی که اظهارات گوینده، حکایت از قدرت و اختیار وی برای اجرای اظهاراتش را دارد، اما در عمل فاقد چنین قدرتی است.

3. Smith v. Richards, 38 U.S. (13 Pet.) 26, 10 L.Ed. 42 (1839).

4. Intentional Misrepresentation

که گوینده علی‌رغم به خلاف واقع بودن اظهارات خود، به بیان آنها و ترغیب طرف مقابل می‌پردازد.

5. Unintentional Misrepresentation.

که گوینده از روی بی‌اطلاعی و بدون قصد فریب طرف مقابل اظهار خلاف واقعی می‌کند.

6. Restatement Second, Sec. 164(2) and cmt b.

چند یک فرد متعارف این تلقی را نداشته باشد.

د) اعتماد به تدلیس و فریب خوردن در نتیجه‌ی آن: طرف فریب‌خورده باید اثبات کند که در اثر تدلیس فریفته شده و با تکیه بر آن قرارداد منعقد نموده است.^۱ چنانچه این فرد بدون بررسی و از روی مسامحه و زودبیاوری بی‌مورد، به تدلیس اعتماد کند، مخصوصاً در تدلیس عمدی، نمی‌توان حکم به تدلیس داد.^۲ به عبارت دیگر، اعتماد به تدلیس باید معقول باشد.

ه) متحمل خسارت (ضرر مادی) شدن: برای اقامه‌ی دعوای شبه‌جرم در اثر تدلیس و نه به منظور استفاده از امکان لغو قرارداد، ورود ضرر باید احراز شده و به اثبات برسد. در این خصوص فروض متعددی متصور است؛ نخست آن که، فریب‌خورده آنچه را که انتظار داشته به دست آورده اما به دلیل تدلیس ارزش آن کمتر از مورد انتظار است؛ دیگر آن که، آنچه را که به دست آورده، به طور کلی متفاوت از انتظار وی بوده است، و سرانجام این که، با وجود تحقق تدلیس، آنچه را که فرد انتظار داشته به دست آورده است. در دو فرض نخست، ورود ضرر متصور بوده و امکان لغو قرارداد وجود دارد؛ اما در فرض اخیر مناسب آن است که حکم به عدم امکان فسخ قرارداد شود، هر چند چنین امکانی نیز در برخی آرا آمده است.^۳ بر این اساس، می‌توان گفت اقامه دعوای شبه‌جرم، مستلزم آن است که تدلیس در موضوعات اساسی باشد و نه در مسائل فرعی.

با این شرایط کلی تحقق تدلیس در هر سه سیستم حقوقی تقریباً یکسان است، اما دامنه‌ی تدلیس در حقوق انگلیس و آمریکا وسیع‌تر از حقوق ایران است. در حقوق ایران تدلیس فقط باید عمدی باشد،^۴ (کاتوزیان، پیشین، صص ۴۳۱-۴۳۲) اما در حقوق انگلیس و آمریکا علاوه بر تدلیس عمدی، تدلیس غیرعمدی و غافلانه نیز پیش‌بینی شده است. آثار آنها نیز گاهی متفاوت است؛ در حقوق ایران تدلیس عمدی در موضوع اساسی موجب بطلان است، اما در حقوق انگلیس و آمریکا حق

1. *Eslamizar v. American States Ins. Co.*, 134 Or. App. 138, 894 P.2d 1195 (1995); Restatement Second, Sec. 167.

2. *Spyder Enterprises v. Ward*, 872 F. Supp. 8 (E.D.N.Y. 1995).

3. *Earl v. Saks & Co.*, 36 Cal. 2d 602, 226 P.2d 340 (1951).

۴. هرچند که از ظاهر ماده‌ی ۴۴۸ قانون مدنی ایران عمدی بودن تدلیس قابل استنباط نیست. عملیاتی که موجب طرف مقابل می‌شود، می‌تواند عمدی باشد و یا آن که از روی بی‌مبالاتی و مسامحه رخ دهد.

فسخ به وجود می‌آورد. اما در تدلیس غیر عمدی حقوق ایران حکم به خیار تخلف از وصف می‌دهد، حقوق انگلیس و آمریکا نیز حکم به حقوق فسخ می‌دهد، اما مبنای احکام متفاوت است: حقوق ایران به موجب اعمال خیار، حقوق انگلیس و آمریکا به موجب تحقق تدلیس. تبلیغات و بلوف‌های تجاری، که شگرد و فنون تجارت محسوب می‌شوند، را از دید هر سه سیستم نباید تدلیس به حساب آورد.

۳. ظهور تدلیس در قراردادهای الکترونیکی

همان‌گونه که گفته شد، به طور معمول تحقق تدلیس از سوی فروشنده رخ می‌دهد؛ به نحوی که وی کالا یا خدمات خود را آن‌گونه که هست، عرضه نکرده و آن را بهتر از واقع نشان می‌دهد، یا عیوب آن‌ها را می‌پوشاند. به همان میزان که تدلیس در قراردادهای سنتی محقق می‌شود، در قراردادهای الکترونیکی نیز چنین امری رخ می‌دهد؛ زیرا، در این قراردادها فروش کالا با بیان اوصاف آن صورت می‌گیرد و نه با رویت، گاهی در تبلیغات اینترنتی اوصاف کالا را برای جذب مشتری، بیش از حد برجسته می‌کنند، به گونه‌ای که، وصف موهومی به کالا منتسب می‌شود. از آن جا که در قراردادهای الکترونیکی، به طور معمول در مقابل کالا یا خدمات پول پرداخت می‌شود و نه کالا، لذا تحقق تدلیس از سوی مشتری قابل تحقق نیست. (Gringras, Todd, 2008, p.27) مگر این‌که به نحوی بر معاوضه‌ی کالا توافق شود؛ در این صورت، تحقق تدلیس از جانب مشتری نیز متصور است؛ این موضوعی است که در فضای الکترونیکی به ندرت رخ می‌دهد. در هر صورت، قواعد حقوقی حاکم بر تدلیس در فضای الکترونیکی با فضای فیزیکی تفاوتی ندارد.

به عنوان قاعده‌ی کلی، این‌که کاربر در نتیجه‌ی برجسته کردن تبلیغات در وبسایت‌ها به انعقاد قرارداد ترغیب شود، نمی‌تواند دلیلی بر تحقق تدلیس باشد؛ مگر آن‌که واقعاً اوصافی بیش از آنچه در کالا یا خدمات است، بیان شود. برای مثال، در وبسایت شرکت مخابرات، یک بسته خدمات شامل خط تلفن ثابت، خط تلفن همراه و فروش اینترنت پرسرعت عرضه شود و خریدار به استناد پرسرعت بودن آن به طور اینترنتی سفارش را تکمیل و قراردادی دو ساله منعقد کند؛ اما پس از دریافت خدمات، متوجه معمولی بودن سرعت اینترنت شود. در تحقق تدلیس در این فرض،

تردید نیست. زیرا، سرعت در اینترنت، وصف اساسی محسوب می‌شود؛ در نظام حقوقی ایران، در نتیجه‌ی عمدی بودن این اظهارات خلاف واقع، قرارداد باطل تلقی می‌شود؛ چه آن که به لحاظ اساسی بودن وصف مذکور، خیار تدلیس جریان ندارد؛ این در حالی است که در نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان فریب‌خورده حق فسخ قرارداد و درخواست اعاده به وضع سابق را دارد. در فرض غیرعمدی بودن اظهارات، در حقوق ایران باید قائل به خیار تخلف از وصف شد؛ حکمی که در نظام حقوقی انگلیس و آمریکا نیز به دلیل تحقق تدلیس، جریان دارد. اما اگر خریدار سفارش خود را به دلیل پر سرعت بودن اینترنت انجام نداده و صرفاً به دنبال چنین مجموعه‌ی کلی باشد، در هر سه نظام حقوقی یاد شده، تدلیس جریان ندارد. مانند موردی که شرکتی در وب سایت خود، ضمن درج آگهی پذیرهنویسی سهام شرکت، اعلام می‌دارد که در هیأت مدیره شرکت، فرد صاحب نام و مدیر با قابلیت وجود دارد، در حالی که چنین نیست؛ حال اگر فردی بدون توجه به این اظهارات، تعدادی از سهام را خریداری و فرد دیگری با تکیه بر این اظهارات که در مجموعه‌ی شرکت، مدیر توانمندی وجود دارد، اقدام به پذیرهنویسی نماید، مطابق حقوق انگلیس و آمریکا، نسبت به فرد نخست تدلیس محقق نشده، اما نسبت به فرد اخیر تدلیس متقلبانه صورت گرفته است و برای وی امکان جبران خسارت و فسخ قرارداد پذیرهنویسی فراهم است.^۱ این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، نسبت به فرد نخست، تدلیس صورت نگرفته اما نسبت به فرد دوم، اشتباه اساسی رخ داده است؛ اشتباهی که بطلان پذیرهنویسی را موجب می‌شود؛ مثال دیگری که می‌توان به آن متوسل شد، قرارداد بیمه‌ی اینترنتی است که افراد برای مسافرت تهیه می‌کنند، گاهی این امکان وجود دارد که چنانچه بیمه‌گر تمامی حقایق را بیان کند، فرد مسافر از انعقاد قرارداد اجتناب نماید؛ مانند فرضی که مسافر اشیاء گران‌قیمتی چون جواهرات به همراه داشته و بیمه‌ی آن‌ها برای وی واجد اهمیت است. در چنین فرضی هرگاه بیمه‌گر عدم پوشش بیمه نسبت به سرقت یا مفقود شدن وسایل همراه بیمه‌گذار بیان نکرده و از بیمه‌ی کامل سخن بگوید قرارداد بیمه‌ی مذکور، به عنوان قرارداد با حداکثر حسن‌نیت در حقوق انگلستان و

1. Smith v. Chadwick (1884)

البته در حقوق انگلیس به موجب ماده‌ی ۶۳ قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۵، شرکت‌ها در فرض تحقق تدلیس غیرعمدی در آگهی عرضه‌ی سهامشان، باید خسارت وارده را جبران کنند.

آمریکا قابل فسخ است.^۱ در نظام حقوقی ایران نیز هر چند سکوت فی نفسه موجب تدلیس نیست، اما به نظر می‌رسد که چه بسا بیمه‌گذار به لحاظ کامل معرفی شدن قرارداد بیمه، اشیای قیمتی با خود حمل نموده و در صورت آگاهی از حقیقت، چنین قراردادی منعقد نمی‌کرد. لذا، بیمه‌ی اشیاء همراه، وصف اساسی داشته و در نتیجه، قرارداد بیمه باطل است.

موضوع دیگر آن که، محدود کردن دایره‌ی مسؤولیت از سوی وب‌سایت‌ها، در بخش مصونیت فروش و درج شروط معافیت^۲ و اعلام مصونیت آن‌ها در برابر خسارات ناشی از تدلیس، باطل و بلااثر است.^۳

در قراردادهای الکترونیکی نمی‌توان میان اشتباه و تدلیس مرز دقیقی ترسیم نمود، در صورت بروز اختلاف، تشخیص این‌ها از یکدیگر، دشوار است. مانند آن که، سفارش‌دهنده‌ی کالا، در صورت عدم رضایت از کالای خریداری شده، می‌تواند به این استناد که در زمان انتخاب کالا دچار اشتباه شده و بر روی کالایی مشابه کلیک کرده است، ادعای اشتباه کند و نیز می‌تواند به این ادعا که کالای مزبور را به شرط داشتن اوصافی که در وب‌سایت ذکر شده، خریداری کرده و حال فاقد آن اوصاف بوده یا آن که دارای وصفی پایین‌تر از اوصاف مذکور است، مدعی تحقق تدلیس شود. نتیجه‌ی امر در نظام حقوقی ایران یکسان است؛ چه آن که، با تحقق تدلیس یا اشتباه در اوصاف اساسی و جوهری معامله، معامله باطل تلقی می‌شود و در فرض اشتباه در اوصاف فرعی، حق فسخ به وجود می‌آید؛ اعم از آن که، اشتباه صورت گرفته باشد و یا تدلیس. اما در نظام‌های حقوقی دیگر، گاهی احکام اشتباه و تدلیس، متفاوت بوده و باید در هر مورد به حکم مقتضی توجه کرد.

1. Banque Keyser Ullmann SA v. Skandio (UK) ins. Co. Ltd. And Others, [1991] 2AC 249.

2. Exemption Clauses

3. The Misrepresentation Act 1967, sec. 3.

۴. برآمد

بحث تدلیس از جمله مواردی است که می‌تواند در مسیر انعقاد قراردادهای سنتی و نیز در جریان تشکیل قراردادهای الکترونیکی محقق شود. در این دو قسم از قراردادها تنها نحوه‌ی ظهور تدلیس متفاوت است؛ به گونه‌ای که در یکی تدلیس در فضای مجازی و در دیگری در فضای واقعی محقق می‌شود. اما از لحاظ آثار و احکام حقوقی حاکم بر آن ماهیت، فضا مؤثر نبوده و در هر حال قواعد حقوقی یکسانی اعمال می‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فہرست منابع

۴. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: قرارداد-ایقاع، تهران: انتشار با همکاری بہمن برنا، چاپ ہشتم، ۱۳۸۱.
5. Beatson, J., Anson's Law of Contract, 28th ed., 2002, Oxford University Press.
8. Furmston, M., **Cheshire, Fifoot & Furmston's Law of Contract**, 15th ed., 2006, Oxford University Press.
11. Gringras, C. and Todd, E. Gringras: **the Laws of the Internet**, 3rd Rev.ed., 2008, Tottel Publishing.

